

پاسخ کارایی نیتروژن، فسفر و روی شنبليله به ترکیب کودهای شیمیایی و بیولوژیک در کشت گلخانه‌ای

منیر نظری^{۱*} و سیف‌اله فلاح^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰)

چکیده

به منظور بررسی تأثیر ترکیب کودهای بیولوژیک و شیمیایی بر ماده خشک، جذب و کارایی مصرف نیتروژن، فسفر و روی گیاه شنبليله، آزمایشی در گلخانه پژوهشی دانشگاه شهرکرد در قالب طرح پایه بلوک‌های کامل تصادفی با سه تکرار انجام شد. هشت تیمار آزمایشی شامل شاهد (عدم مصرف کود)، اوره، اوره+ سولفات روی، اوره+ ازتوباکتر، اوره+ میکوریزا، اوره+ سولفات روی+ ازتوباکتر، اوره+ سولفات روی+ میکوریزا و اوره+ سولفات روی+ میکوریزا+ ازتوباکتر مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین تیمارهای مختلف کودی از نظر جذب و کارایی مصرف نیتروژن، فسفر و روی، اختلاف معنی‌داری وجود داشت ($P \leq 0.05$). بیشترین کارایی زراعی نیتروژن، فسفر و روی (به ترتیب با میانگین ۶۰، ۹۶ و ۱۹۸ گرم بر گرم) در تیمار اوره+ سولفات روی+ ازتوباکتر حاصل شد. تیمار اوره+ میکوریزا دارای بیشترین کارایی جذب فسفر (۱۸/۷ درصد) بود و اختلاف آن با سایر تیمارها، بجز تیمار اوره+ سولفات روی، معنی‌دار بود ($P \leq 0.05$). بیشترین کارایی فیزیولوژیک روی در تیمار اوره+ سولفات روی به دست آمد که اختلاف معنی‌داری با تیمارهای اوره+ سولفات روی+ ازتوباکتر و کاربرد توأم دو منبع بیولوژیک نداشت. بیشترین ماده خشک (۲۹۲ گرم در متر مربع) نیز در تیمار اوره+ سولفات روی+ ازتوباکتر به دست آمد. به طور کلی، استفاده از کودهای بیولوژیک، به ویژه ازتوباکتر، همراه با کود اوره و سولفات روی نه تنها در افزایش ماده خشک مؤثر است، بلکه با افزایش کارایی کودهای شیمیایی می‌تواند بهره‌وری کشت گلخانه‌ای شنبليله را افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی: ازتوباکتر، کارایی کود، سولفات روی، میکوریزا

مقدمه

شرایط pH به گونه‌ای است که جذب عنصر روی با مشکلاتی روبه‌رو است. این عنصر، در pH قلیایی خاک، غالباً به شکل رسوب وجود دارد و گیاهان قادر به استفاده از آن نیستند. همچنین، زیاد بودن درصد بی‌کربنات کلسیم باعث غیر فعال شدن این عنصر در خاک شده، به گونه‌ای که فعالیت این عنصر در خاک بسیار محدود بوده و به صورت غیر قابل جذب در می‌آید (۹).

امروزه، با توجه به مشکلاتی که مصرف بی‌رویه کودهای شیمیایی به وجود آورده است، استفاده از کودهای بیولوژیک در پرورش و رشد گیاهان مطرح شده است. گروهی از این

مصرف بی‌رویه کودهای شیمیایی می‌تواند به آلودگی محیط و محصول غذایی منتهی شود که اغلب دارای آثار منفی بر انسان و حیوان است. کاربرد بیش از حد نیتروژن جهت تولید ماده غذایی ممکن است موجب آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی شود. مصرف بیش از حد نترات می‌تواند برای انسان‌ها و حیوانات نیز سمی باشد (۷). از طرفی دیگر، ورود مقدار زیادی از فسفر به خاک و آب‌ها سلامت انسان و ثبات اکوسیستم‌ها را در معرض تهدید قرار می‌دهد (۲۶). همچنین، در اغلب خاک‌های کشور، به استثنای سواحل دریای خزر،

۱. گروه زراعت، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهرکرد

*: مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: nazarimonir@yahoo.com

کودها در حقیقت ماده‌ای شامل انواع مختلف ریزجانداران آزادی بوده (۱۱) که توانایی تبدیل عناصر غذایی اصلی را از شکل غیر قابل دسترس به شکل قابل دسترس، طی فرایندهای بیولوژیک، داشته (۳۱) و منجر به توسعه سیستم ریشه‌ای و جوانه‌زنی بهتر بذرها می‌گردند (۲۴). همچنین، در برخی از فرایندهای کلیدی بوم‌نظام، مانند فرایندهای دخیل در کنترل بیولوژیک پاتوژن‌های گیاهی، چرخه عناصر غذایی و استقرار گیاهچه نیز نقش دارند (۱۴). در این ارتباط، با تأثیر ریزجانداران بر رشد گیاه مشخص شده که افزایش حاصلخیزی خاک به‌وسیله کودهای بیولوژیک نظیر ازتوباکتر، آزوسپریلوم و سودوموناس باعث افزایش و بهبود خصوصیات رشدی گیاه دارویی سیاهدانه، از قبیل تعداد کپسول در بوته، تعداد دانه در کپسول و عملکرد دانه شده است (۲۹).

قارچ‌های آربوسکولار میکوریزا نیز گروه دیگری از کودهای بیولوژیک هستند که جزء اصلی فلور محیط ریشه گیاهان در بوم‌نظام‌های طبیعی می‌باشند (۲۷) و رابطه همزیستی با بیشتر نهاندانگان، از جمله چندین گونه گیاه دارویی، دارند (۳۰ و ۳۲). در همین راستا، گزارش شده که تلقیح بذر رازیانه با میکوریزا، به‌دلیل افزایش باروری فسفر در خاک، باعث افزایش معنی‌دار رشد و همچنین بهبود عملکرد اسانس گیاه می‌شود (۲۱). در واقع تلقیح میکوریزا در افزایش توانایی گیاه میزبان برای جذب عناصر غذایی غیر متحرک، خصوصاً فسفر، به‌وسیله تولید اسیدهای آلی مانند استیک، لاکتیک، اگزالیک و سیتریک توسط ریزجانداران حل‌کننده فسفات در اطراف ریشه‌های گیاه (۱۸) که مهم‌ترین عامل حلالیت فسفر به‌شمار می‌رود، تأثیر مفیدی داشته است (۲۸).

یکی از راه‌های سنجش بهره‌وری کودهای شیمیایی، ارزیابی کارایی استفاده از عناصر است که به مفهوم توانایی گیاه برای تبدیل عناصر جذب شده به عملکرد اقتصادی (ماده خشک) می‌باشد (۱۶). اکثر تلفات نیتروژن موجود در کودهای شیمیایی به‌صورت آبشویی و بین ۲۵ تا ۹۰ کیلوگرم در هکتار در سال برآورد شده و بر همین اساس کارایی استفاده از

نیتروژن مصرفی در مزارع کشاورزی کم است (۱۷). درصد بازیافت عناصر (نسبت مقدار عنصر جذب شده توسط گیاه به مقدار کود مصرف شده از هر عنصر) با خصوصیات خاک، مقدار، روش و زمان مصرف کود تغییر می‌کند و میزان آن بین ۳۰ تا ۶۰ درصد می‌باشد (۸). بازیافت عناصر، خصوصاً نیتروژن، با افزایش مصرف کود کاهش می‌یابد و مقدار آن در گیاهان زراعی معمولاً کمتر از ۵۰ درصد است. دلیل این موضوع، کم بودن بازیافت عناصر غذایی در گیاهان یکساله در اثر زیاد بودن تلفات کودی عنوان شده است (۳).

از آنجا که گیاه شنبلیله (*Trigonella foenum-graecum*) یکی از گیاهان دارویی ارزشمند است که علاوه بر مصارف متعدد دارویی (۱۱ و ۲۵) به‌صورت سبزی در رژیم غذایی اهمیت زیادی دارد، تولید گلخانه‌ای آن می‌تواند تداوم عرضه و مصرف این محصول دارویی ارزشمند را تضمین نماید. از این رو، آزمایش حاضر با هدف ارزیابی اثر مصرف کود اوره، کودهای زیستی و کود سولفات روی و اثر متقابل آنها، بر ماده خشک و کارایی مصرف عناصر (نیتروژن، فسفر و روی) در گیاه شنبلیله در شرایط گلخانه‌ای اجرا گردید.

مواد و روش‌ها

این آزمایش در قالب طرح بلوک‌های کامل تصادفی با ۳ تکرار در گلخانه تحقیقاتی دانشگاه شهرکرد انجام گردید. هشت تیمار کودی شامل شاهد (عدم مصرف کود)، اوره، اوره+ سولفات روی، اوره+ ازتوباکتر، اوره+ میکوریزا، اوره+ سولفات روی+ ازتوباکتر، اوره+ سولفات روی+ میکوریزا و اوره+ سولفات روی+ میکوریزا+ ازتوباکتر در این آزمایش مورد ارزیابی قرار گرفتند. قبل از انجام آزمایش، ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی خاک مورد استفاده در آزمایشگاه تعیین شد. بافت خاک لوم رسی، اسیدیته آن ۸/۱۵ و هدایت الکتریکی آن ۰/۶۴ دسی‌زیمنس بر متر بود. میزان نیتروژن کل و کربن آلی آن به ترتیب ۰/۰۵۹ و ۰/۶۲۴ درصد و همچنین میزان فسفر، پتاسیم، آهن، روی و مس (قابل دسترس) نیز به ترتیب ۶/۳، ۳۷۱،

۲/۸۹، ۰/۴۸ و ۰/۷۶ ميلي گرم در كيلوگرم خاك بود.

گلدان‌هاي آزمايش قبل از استفاده به‌طور كامل با آب مقطر شسته شده و سپس با توجه به ابعاد گلدان‌ها (۱۸×۲۵×۲۸ سانتی‌متر، به‌ترتیب ارتفاع، قطر بزرگ و قطر كوچك)، ۸ كيلوگرم خاك الك شده (با الك ۲ ميلي‌متری) كه به‌طور كامل و يكنواخت با هم مخلوط شده بود، توزين و در اوایل اسفند ماه ۱۳۹۰ به آنها انتقال داده شد. در كف گلدان‌ها، به دليل وجود زهكش، يك عدد كاغذ صافي جهت جلوگیری از انتقال و خروج خاك قرار داده شد. سپس، باتوجه به نتايج آزمون خاك، در تیمارهاي دارای اوره، مقدار ۱۰ ميلي گرم بر كيلوگرم از منبع اوره به‌صورت پيش‌كاشت و سرک به‌طور يكنواخت به خاك اضافه شد. در تیمارهاي دارای سولفات روی، مقدار ۵ ميلي گرم بر كيلوگرم از منبع سولفات روی به‌صورت پيش‌كاشت و به‌طور يكنواخت با خاك مخلوط و اضافه شد. از قارچ ميكوريزا آربوسكولار (*Glomus intraradices*) تهيه شده از شركت زیست فناوران توران و ازتوباکتر كركوكوم (*Azotobacter chroococcum*) تهيه شده از شركت مهر آسيا استفاده شد. برای تلقیح بذرها، ابتدا مايه تلقیح باكتري با 10^8 تعداد سلول زنده در هر گرم، تهيه نموده و سپس در شرايط سايه، اين مايع تلقیح به بذرها اضافه و به‌خوبي مخلوط شد. سپس، بذرها درون پاكتهای كاغذی جداگانه منتقل شد و برای خشك شدن به‌مدت دو ساعت در همان محل (سايه) قرار گرفتند. در تیمارهاي دارای ميكوريزا، مقدار ۱۰۰ تا ۱۵۰ گرم مايع تلقیح (شامل اسپور، هييف و قطعات ريشه آلوده) به هر گلدان اضافه و سپس با خاك سطحی مخلوط گردید.

در نيمه دوم اردیبهشت، بذرهاي شنبليله با تراكم زياد (۵۰ بذر در گلدان) در عمق ۳ تا ۵ سانتی‌متر خاك كشت شدند و سپس در مرحله ۴-۶ برگی به ۴۰ گياه در گلدان كاهش یافتند. اولین آبياری پس از كاشت و آبياری‌هاي بعدی به فاصله هر ۵ روز يكبار تا آخر دوره رشد انجام شد.

آفت و بيماری خاصی در طول دوره رشد مشاهده نشد. در پايان دوره رشد رويشی (۶۰ روز پس از كاشت) تمام گياهان موجود در گلدان‌ها برداشت شدند و سپس طول ريشه، طول ريشه كلونيزه، ميزان كلونيزاسيون، وزن خشك ريشه و وزن خشك اندام هوایی اندازه‌گیری شد. برای تعيين ميزان كلونيزاسيون و طول ريشه كلونيزه شده گياه شنبليله، ابتدا يك نمونه از ريشه گياه برداشته و به‌كمك تری‌پنبلو رنگ‌آمیزی شد و سپس با استفاده از روش تقاطع شبكه‌ای، طول ريشه كلونيزه شده و ميزان كلونيزه‌سازی محاسبه گردید (۶). غلظت نیتروژن كل به‌روش هضم، تقطير و تیتراسیون با استفاده از دستگاه كج‌لدال مدل Gerhardt Vapodest و ميزان فسفر به‌روش رنگ‌سنجی (رنگ زرد موليبدات وانادات) با استفاده از دستگاه اسپكتروفوتومتر مدل Pharmacia LKB-Novaspec-11 اندازه‌گیری شد (۲۶). برای تعيين غلظت روی از روش خاكسترگیری خشك با اسيد كلريدريك و دستگاه جذب طيف سنج اتمی مدل 932 plus GBC استفاده شد (۱). جذب روی، نیتروژن و فسفر توسط گياه از حاصلضرب ماده خشك در غلظت اين عناصر در هر گياه به‌دست آمد. جهت محاسبه کارایی زراعی فیزیولوژیک عناصر از روابط زیر استفاده شد (۱۰):

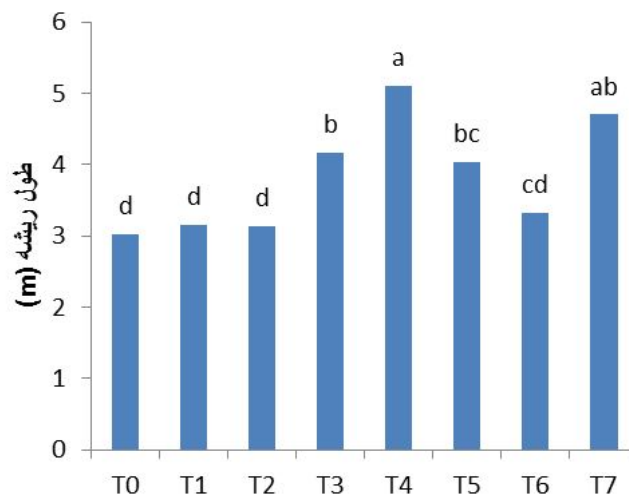
$$[1] \quad \text{ماده خشك تیمار شاهد} - \text{ماده خشك تیمار حاوی} = \text{کارایی} \\ \frac{\text{كود}}{\text{عنصر مصرفی}} \quad \text{مصرف يا} \\ \frac{\text{عنصر مصرفی}}{\text{زراعی (kg/kg)}} \\ [2] \quad \text{جذب عنصر تیمار شاهد} - \text{جذب عنصر تیمار حاوی} = \text{کارایی جذب} \\ \frac{\text{كود}}{\text{عنصر مصرفی}} \quad \text{يا بازيافت (\%)} \\ [3] \quad \text{ماده خشك تیمار شاهد} - \text{ماده خشك تیمار حاوی} = \text{کارایی} \\ \frac{\text{كود}}{\text{جذب عنصر تیمار شاهد} - \text{جذب عنصر تیمار حاوی}} \quad \text{فيزيولوژيك} \\ \text{كود} \quad \text{(kg/kg)}$$

تجزیه واریانس داده‌هاي آزمايش با استفاده از نرم‌افزار SAS انجام شد. مقایسه میانگین‌ها بر اساس آزمون حداقل اختلاف معنی‌دار (LSD) در سطح احتمال ۵٪ انجام گرفت.

جدول ۱. تجزیه واریانس اثر ترکیب کودهای شیمیایی و بیولوژیک بر طول ریشه، طول ریشه کلونیزه، میزان کلونیزاسیون و وزن خشک ریشه و اندام هوایی سنبله

میانگین مربعات						
منبع تغییر	درجه آزادی	طول ریشه	طول ریشه کلونیزه	میزان کلونیزاسیون	وزن خشک ریشه	وزن خشک اندام هوایی
تکرار	۲	۰/۰۵ ^{ns}	۰/۳ ^{ns}	۶۱ ^{ns}	۸۵ ^{ns}	۳۸۰ ^{ns}
تیمار	۷	۱/۸۵ ^{**}	۱/۳۸ ^{**}	۸۳۷ ^{**}	۱۸۲ ^{ns}	۳۶۲۱ ^{**}
خطای آزمایش	۱۴	۰/۱۷	۰/۰۲	۳۱	۹۸	۳۷۲

**و ns به ترتیب معنی‌دار در سطح احتمال ۱٪ و بدون اختلاف معنی‌دار



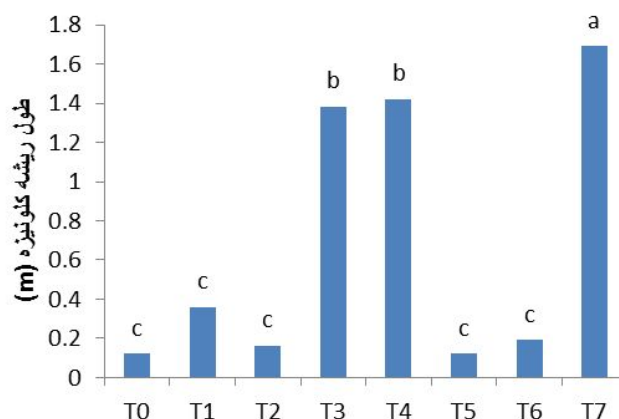
شکل ۱. اثر ترکیب کودهای شیمیایی و بیولوژیک بر طول ریشه سنبله. حروف متفاوت نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار میانگین‌ها بر اساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵٪ می‌باشند. T₀, T₁, T₂, T₃, T₄, T₅, T₆ و T₇ به ترتیب نشان‌دهنده عدم مصرف کود، کود اوره، کود سولفات روی+ اوره، میکوریزا+ اوره، میکوریزا+ سولفات روی+ اوره، ازتوباکتر+ اوره، ازتوباکتر+ سولفات روی+ اوره و میکوریزا+ ازتوباکتر+ سولفات روی+ اوره.

نتایج و بحث

طول ریشه

نتایج تجزیه واریانس داده‌ها نشان داد که اثر کوددهی بر طول ریشه در سطح احتمال ۱٪ معنی‌دار بود (جدول ۱). کاربرد سولفات روی+ میکوریزا به همراه اوره بیشترین تأثیر را بر میزان طول ریشه داشت (شکل ۱) که با کاربرد سولفات روی+ میکوریزا+ ازتوباکتر به همراه اوره اختلاف آماری معنی‌داری

نداشت. این امر حاکی از آن است که تلقیح میکوریزایی در شرایط فراهم بودن دیگر عناصر غذایی، در افزایش طول ریشه تأثیرگذار بوده است. در واقع، قارچ‌های میکوریزا از طریق گسترش شبکه هیفی خارج ریشه‌ای موجب افزایش جذب و انتقال مواد غذایی به ریشه می‌شوند و سیستم ریشه‌ای گیاه در نتیجه میکوریزایی شدن تغییر می‌کند (۲۲)، به طوری که در ریشه‌های گیاهان میکوریزایی، طول ریشه بیشتر و انشعابات آن وسیع‌تر می‌شود (۱۲). در این ارتباط، بهل و همکاران (۱۳) نیز



شکل ۲. اثر تركيب كودهاي شيميايي و بيولوژيك بر طول ريشه كلونيزه شنبليله. حروف متفاوت نشان دهنده تفاوت معنی دار میانگین ها بر اساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵٪ می باشند. تیمارها در شکل ۱ معرفی شده اند.

ریشه كلونيزه در سطح احتمال ۱٪ معنی دار بود. بیشترین طول ریشه كلونيزه شده در شرایط استفاده از سولفات روی + میکوریزا + ازتوباکتر به همراه اوره به دست آمد. طول ریشه كلونيزه شده در دیگر تیمارهای میکوریزا نیز نسبتاً زیاد بود و در مقایسه با تیمار فوق الذکر رتبه دوم را داشت. از طرفی، مشاهده مقدار کمی ریشه كلونيزه شده در تیمارهایی که میکوریزا تلقیح نشده بود نیز حاکی از وجود جمعیت طبیعی قارچ میکوریزا در خاک مورد استفاده می باشد (شکل ۲). تلقیح ریحان (*Ocimum basilicum* L.) با سه گونه قارچ میکوریزا (*Gigaspora rosea* BEG 9، *Glomus mosseae* BEG 12 و *Gigaspora margarita* BEG 34) باعث افزایش معنی دار طول و میزان انشعابات جانبی ریشه در مقایسه با شاهد شده است (۱۵). این میزان افزایش در گیاه اسفرزه تا ۱۰۰٪ نیز گزارش شده است (۶).

میزان كلونیزاسیون

تأثیر کودهی بر میزان كلونیزاسیون ریشه در سطح احتمال ۱٪ معنی دار بود (جدول ۱). مقایسه میانگین ها در شکل ۳ نشان می دهد که در شرایط عدم تلقیح میکوریزا، بیشترین میزان كلونیزاسیون ریشه ۸٪ بود، اما تلقیح میکوریزا باعث افزایش كلونیزاسیون ریشه تا ۳۷٪ گردید. این نتیجه نشان دهنده جمعیت

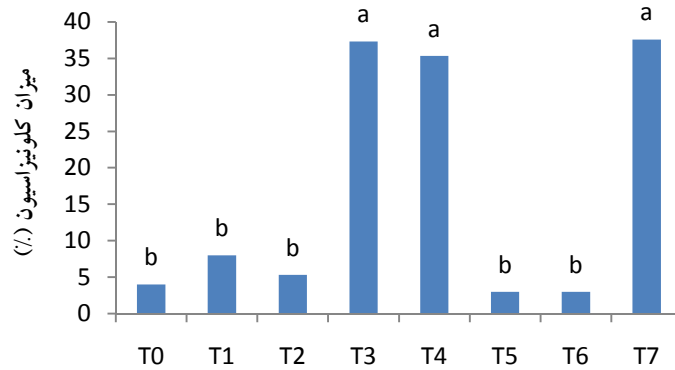
نشان دادند که تلقیح ریشه گندم با میکوریزا و ازتوباکتر سبب افزایش معنی دار طول ریشه گردید.

طول ریشه كلونيزه

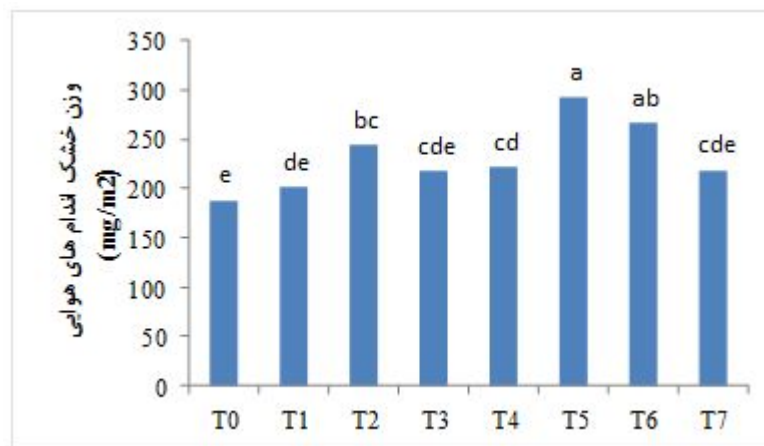
نتایج تجزیه واریانس داده ها (جدول ۱) نشان داد که اثر کودهی بر طول ریشه كلونيزه در سطح احتمال ۱٪ معنی دار بود. بیشترین طول ریشه كلونيزه شده در شرایط استفاده از سولفات روی + میکوریزا + ازتوباکتر به همراه اوره به دست آمد. طول ریشه كلونيزه شده در دیگر تیمارهای میکوریزا نیز نسبتاً زیاد بود و در مقایسه با تیمار فوق الذکر رتبه دوم بود. از طرفی، مشاهده مقدار کمی ریشه كلونيزه شده در تیمارهایی که میکوریزا تلقیح نشده بود نیز حاکی از وجود جمعیت طبیعی قارچ میکوریزا در خاک مورد استفاده می باشد (شکل ۱). تلقیح ریحان (*Ocimum basilicum* L.) با سه گونه قارچ میکوریزا (*Gigaspora rosea* BEG 9، *Glomus mosseae* BEG 12 و *Gigaspora margarita* BEG 34) باعث افزایش معنی دار طول و میزان انشعابات جانبی ریشه در مقایسه با شاهد شده است (۱۵). این میزان افزایش در گیاه اسفرزه تا ۱۰۰٪ نیز گزارش شده است (۶).

طول ریشه كلونيزه

همان طور که در جدول ۱ نشان داده شده، اثر کودهی بر طول



شکل ۳. اثر ترکیب کودهای شیمیایی و بیولوژیک بر میزان کلونیزاسیون شنبلیله. حروف متفاوت نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار میانگین‌ها بر اساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵٪ می‌باشند. تیمارها در شکل ۱ معرفی شده‌اند



شکل ۴. اثر ترکیب کودهای شیمیایی و بیولوژیک بر وزن خشک اندام هوایی شنبلیله. حروف متفاوت نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار میانگین‌ها بر اساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵٪ می‌باشند. تیمارها در شکل ۱ معرفی شده‌اند

هوایی در تیمار ازتوباکتر+ اوره حاصل شد که با کاربرد ازتوباکتر+ اوره+ سولفات روی تفاوت معنی‌داری نداشت (شکل ۴). باکتری‌های محرک رشد گیاه جذب عناصر غذایی و رشد گیاه را از طریق مکانیسم‌های متعددی نظیر تثبیت بیولوژیک نیتروژن، تولید هورمون‌های گیاهی از جمله جیبرلین، ویتامین‌ها، آنزیم‌ها، سیدروفورها و تولید آنزیم‌های حل‌کننده فسفات‌های آلی و معدنی افزایش می‌دهند (۲۲). همچنین، توانایی ساخت کمپلکس سیدروفور- آهن و نیز تولید آنزیم ۱- آمینوسیکلوپروپان-۱- کربوکسیلات (ACC) د- آمیناز در این باکتری‌ها از دیگر راهکارهای افزایش رشد گیاه است (۹). بنابراین، آثار مثبت این ریزجانداران منتج به افزایش وزن

کم و یا توان کمتر جمعیت قارچ‌های میکوریزای بومی در برقراری همزیستی با ریشه گیاه شنبلیله می‌باشد. در گیاه اسفرزه نیز گزارش شده که حضور قارچ‌های میکوریزایی، میزان کلونیزاسیون ریشه این گیاه را به میزان ۲۵٪ افزایش داده است (۶). همچنین، در گیاه ذرت نیز برتری کلونیزاسیون ۱۱ درصدی در مقایسه با شاهد گزارش شده است (۴ و ۵).

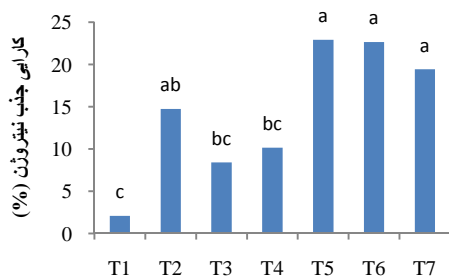
وزن خشک ریشه و اندام هوایی

وزن خشک اندام هوایی شنبلیله در سطح ۱٪ تحت تأثیر کوددهی قرار گرفت، اما وزن خشک ریشه پاسخ معنی‌داری به کوددهی نشان نداد (جدول ۱). بیشترین ماده خشک اندام

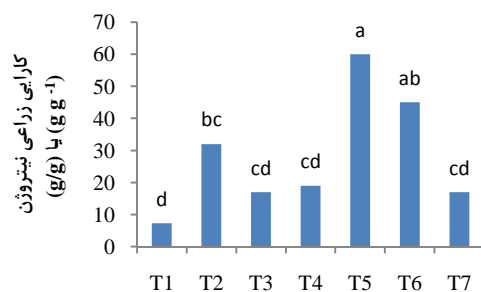
جدول ۲. تجزيه واريانس اثر تركيب كودهاي شيميايي و بيولوژيك بر كارايي زراعي، جذب و فيزيولوژيك نيتروژن و فسفر شنبليله

ميانگين مربعات							منبع تغيير
كارايي جذب فسفر	كارايي جذب فسفر	كارايي زراعي فسفر	كارايي فيزيولوژيك نيتروژن	كارايي جذب نيتروژن	كارايي زراعي نيتروژن	درجه آزادي	
۰/۰۰۹ ^{ns}	۸۳ ^{ns}	۳۴۵۶ ^{**}	۰/۰۰۱۵ ^{ns}	۲۹ ^{ns}	۱۳۷۱ ^{**}	۲	تكرار
۰/۰۰۹ ^{ns}	۱۰۴ [*]	۲۶۶۶ ^{**}	۰/۰۰۱۴ ^{ns}	۱۸۵ ^{**}	۱۰۵۸ ^{**}	۶	تيمار
۰/۰۱۱	۲۷	۲۸۹	۰/۰۰۵۱	۲۶	۱۱۵	۱۲	خطاي آزمائش

**، * و ns به ترتيب معني دار در سطوح احتمال ۱٪ و ۵٪ و بدون اختلاف معني دار



(ب)



(الف)

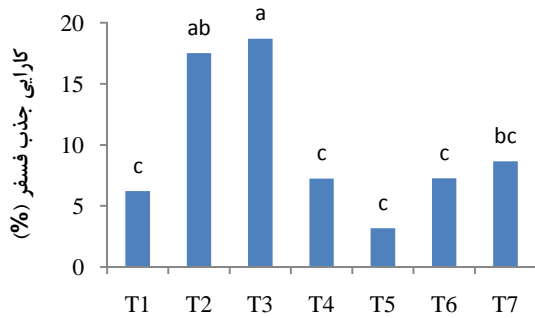
شكل ۵. اثر تركيب كودهاي شيميايي و بيولوژيك بر كارايي هاي زراعي (الف) و جذب (ب) نيتروژن در شنبليله. حروف متفاوت نشان دهنده تفاوت معني دار ميانگين ها بر اساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵٪ مي باشند. تيمارها در شكل ۱ معرفي شده اند.

و ۲۴٪ گوگرد) باعث افزايش كارايي زراعي نيتروژن شده است. از طرفي، وجود ازتوباکتر علاوه بر فراهم نمودن نيتروژن مورد نياز گياه (۳۲) به دليل افزايش رشد اندام هوايي (شكل ۴) موجب افزايش جذب نيتروژن و در نتيجه حصول بيشتري كارايي اين عنصر در گياه شده است. همچنين، معدني شدن آهسته تر نيتروژن در مصرف توأم تيمارهاي كودي نيتروژن و ازتوباکتر در مراحل مختلف رشد گياه، در مقايسه با مصرف اوره به تنهائي، نيز مي تواند بالا بودن كارايي تيمار ازتوباکتر+ سولفات روي+ اوره دخيل باشد (۲۴). نتايج تحقيقات ديگر نشان داده كه كارايي زراعي نيتروژن متأثر از مصرف نيتروژن است و در استفاده از نيتروژن به تنهائي كارايي زراعي كاهش مي يابد (۱۹). ولي مصرف توأم سولفات روي و اوره در گياه كلزا باعث

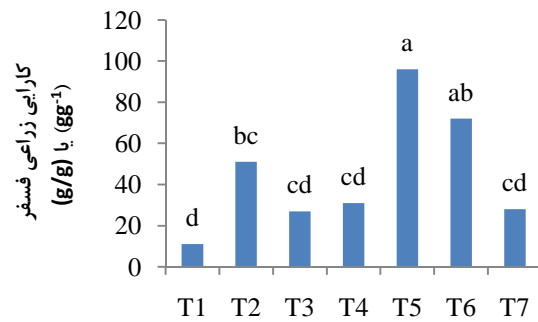
خشك بخش هاي مختلف گياه مي گردد (۲۹).

كارايي زراعي، جذب و فيزيولوژيك نيتروژن

نتايج جدول ۲ نشان مي دهد كه اثر كوددهي بر كارايي جذب و كارايي زراعي نيتروژن معني دار، اما بر كارايي فيزيولوژيك نيتروژن معني دار نبوده است. تيمار ازتوباکتر+ اوره بيشتري كارايي جذب و كارايي زراعي نيتروژن را نشان داد. با اين حال، كارايي زراعي نيتروژن اين تيمار با تيمار T6 و همچنين كارايي جذب نيتروژن آن با تيمارهاي T2، T6 و T7 اختلاف معني داري نداشت (شكل ۵- الف و ب). به نظر مي رسد كه مصرف كود سولفات روي به دليل وجود عنصر روي در آن و همچنين دارا بودن مقدار قابل توجهي عنصر گوگرد (۳۷٪ روي



(ب)



(الف)

شکل ۶. اثر ترکیب کودهای شیمیایی و بیولوژیک بر کارایی‌های زراعی (الف) و جذب (ب) فسفر در شنبلیله. حروف متفاوت نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار میانگین‌ها بر اساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵٪ می‌باشند. تیمارها در شکل ۱ معرفی شده‌اند.

افزایش کارایی جذب نیتروژن شده است (۲۰).
افزایش یافته و این امر می‌تواند در افزایش تولید ماده خشک مؤثر باشد (۲۳). علاوه بر این، برخی محققین نشان داده‌اند که وجود گوگرد در کود سولفات روی با آزاد کردن تدریجی فسفر طی معدنی شدن نیتروژن و آزاد کردن اسیدهای آلی در محیط موجب افزایش حلالیت این عنصر و در نتیجه افزایش کارایی جذب آن شده است (۱۹).

کارایی زراعی، جذب و فیزیولوژیک روی

نتایج تجزیه واریانس بیانگر آن است که اثر کوددهی بر کارایی‌های جذب، زراعی و فیزیولوژیک روی در سطح ۱٪ معنی‌دار می‌باشد (جدول ۳). مقایسه میانگین‌ها نشان داد که بیشترین میزان کارایی زراعی روی به تبعیت از ماده خشک تولید شده، به ترتیب در تیمارهای ازتوباکتر+اوره و ازتوباکتر+سولفات روی+اوره حاصل شد (شکل ۷-الف). اگرچه تیمار ازتوباکتر+سولفات روی+اوره دارای بیشترین میزان کارایی جذب روی بود (۳۲٪) ولی اختلاف معنی‌داری با سولفات روی+اوره و میکوریزا+سولفات روی+اوره نداشت (شکل ۷-ب).

کلیه تیمارهای دارای سولفات روی، به استثنای میکوریزا+سولفات روی+اوره، دارای بیشترین میزان کارایی فیزیولوژیک روی بودند (شکل ۷-ج). کاربرد توأم ازتوباکتر و سولفات

افزایش کارایی جذب نیتروژن شده است (۲۰).

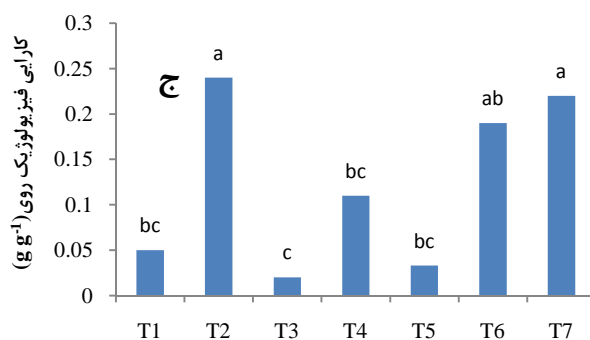
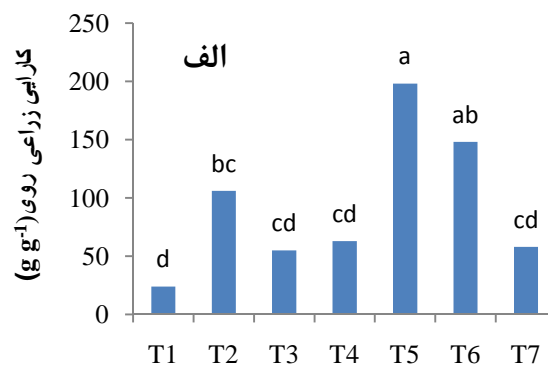
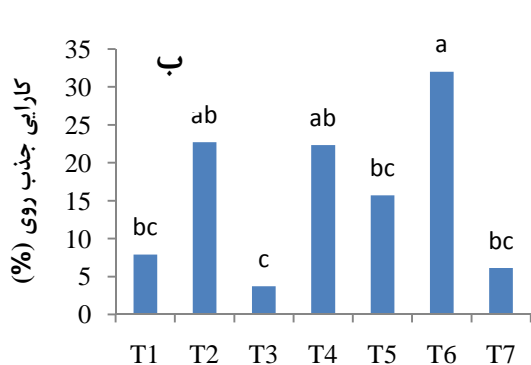
کارایی زراعی، جذب و فیزیولوژیک فسفر

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است کوددهی تأثیر معنی‌داری بر کارایی جذب و کارایی زراعی فسفر داشت، اما کارایی فیزیولوژیک فسفر تحت تأثیر کوددهی قرار نگرفت. بیشترین کارایی زراعی فسفر در شرایط کاربرد اوره+ازتوباکتر و اوره+ازتوباکتر+سولفات روی به دست آمد (شکل ۶-الف)، اما بیشترین میزان کارایی جذب این عنصر در تیمار میکوریزا+اوره حاصل شد که تفاوت معنی‌داری با کاربرد سولفات روی+اوره نداشت (شکل ۶-ب). در شرایط حضور ازتوباکتر، به علت تحریک رشد گیاه (۲۳) ماده خشک بیشتری تولید می‌شود (شکل ۴) و به تبع در این شرایط فسفر موجود در خاک کارایی بیشتری خواهد داشت. از طرفی، افزایش میکوریز ریشه، زمینه بهبود برقراری تعادل، جذب و انتقال عناصر غذایی از طریق ریشه به اندام هوایی را فراهم نموده (۲) و باعث افزایش کارایی جذب فسفر در این تیمارها شده است. همچنین، افزایش کلونیزاسیون ریشه (شکل ۳) منجر به توسعه سیستم ریشه‌ای گیاه می‌شود (شکل ۱). در نتیجه، سطح جذب ریشه‌ها به علت نفوذ هیف‌های قارچ در خاک افزایش یافته که با دسترسی ریشه به حجم بیشتری از کارایی جذب عناصر غذایی

جدول ۳. تجزيه واريانس اثر تركيب كودهاي شيميايي و بيولوژيك بر كارايي زراعي، جذب و فيزيولوژيك روي در شنبليله

منبع تغيير	درجه آزادي	كارايي زراعي روي	میانگین مربعات	كارايي جذب روي	كارايي فيزيولوژيك روي
تكرار	۲	۱۴۴۷۹**	۱۰ ^{ns}	۰/۰۰۶ ^{ns}	
تيمار	۶	۱۱۲۶۰**	۳۳۷*	۰/۰۲۶*	
خطای آزمایشی	۱۲	۱۲۵۹	۸۷	۰/۰۰۸۱	

ns، * و ** به ترتيب معنی دار در سطوح احتمال ۱٪، ۵٪ و بدون اختلاف معنی دار



شكل ۷. اثر تركيب كودهاي شيميايي و بيولوژيك بر كارايي‌هاي زراعي (الف)، جذب (ب) و فيزيولوژيك (ج) روي در شنبليله. حروف متفاوت نشان‌دهنده تفاوت معنی دار میانگین‌ها بر اساس آزمون LSD در سطح احتمال ۵٪ می‌باشند. تیمارها در شكل ۱ معرفی شده‌اند.

عملکرد کلزا در تیمار سولفات روي به همراه ازتوباکتر حاصل گردید.

نتیجه گیری

به‌طور کلی، نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که مصرف كودهاي بيولوژيك ازتوباکتر به صورت تلفیقی از اوره و سولفات روي باعث افزایش عملکرد و کارایی مصرف نیتروژن،

روي سبب افزایش هر سه نوع کارایی شده است. با توجه به معنی دار شدن کارایی جذب، زراعي و فيزيولوژيك روي در تیمار ازتوباکتر+ سولفات روي+ اوره، همچنین با مصرف ازتوباکتر به همراه سولفات روي نیز دارای بیشترین میزان ماده خشک بوده است. پس می‌توان بیان داشت که کاربرد ازتوباکتر در کنار سولفات روي باعث افزایش جذب و حداکثر استفاده از روي می‌شود. یاسری و همکاران (۳۳) بیان داشتند که بیشترین

فسفر و روی در گیاه شنبليله در شرایط گلخانه‌ای می‌شود. آزمایش‌های مستقل آتی پیشنهاد می‌گردد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از مساعدت‌های مالی دانشگاه شهرکرد در اجرای این پژوهش قدردانی می‌گردد.

بنابراین، استفاده از این ترکیب کودی علاوه بر ارتقاء کارایی کودهای مصرفی می‌تواند در کاهش آلودگی زیست‌محیطی ناشی از کارایی کم کودهای شیمیایی مؤثر باشد. علاوه بر این، افزایش کیفیت محصول به دلیل استفاده از کود بیولوژیک و حتی سولفات روی نیز محتمل است و بررسی این کیفیت در

منابع مورد استفاده

۱. امامی، ع. ۱۳۷۵. روش‌های تجزیه گیاه. نشریه فنی شماره ۹۸۲، انتشارات مؤسسه تحقیقات خاک و آب، تهران، ۲۰۲ صفحه.
۲. جهان، م.، ع. ر. کوچکی و م. نصیری محلاتی. ۱۳۸۶. رشد، فتوسنتز و عملکرد ذرت در پاسخ به تلقیح با قارچ میکوریزا و باکتری‌های آزادی تثبیت کننده نیتروژن در نظام‌های زراعی رایج و اکولوژیک. پژوهش‌های زراعی ایران ۵(۱): ۵۳-۶۷.
۳. دانشور، م.، ز. طهماسبی سروستانی، س. ع. م. مدرس ثانوی و ا. ح. شیرانی‌راد. ۱۳۸۸. اثر آبیاری و کود نیتروژن بر صفات زراعی و فیزیولوژیکی دو رقم کانولا (*Brassica napus* L.). علوم کشاورزی و منابع طبیعی ۱۵(۴): ۵۶-۶۸.
۴. ساجدی، ن. ع. و ف. رجالی. ۱۳۹۰. تأثیر تنش خشکی، کاربرد روی و تلقیح میکوریزا بر جذب عناصر کم مصرف در ذرت. علوم خاک و آب ۲۵(۲): ۸۴-۹۲.
۵. علیزاده، ا. ۱۳۸۴. بررسی اثر مقادیر مختلف نیتروژن و تنش خشکی در مراحل مختلف رشد بر خصوصیات فیزیولوژیک، عملکرد و اجزای عملکرد و میزان غلظت عناصر غذایی و نیز مطالعه همزیستی میکوریزایی در ذرت. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اهواز.
۶. قاسمی، ک. ۱۳۹۰. اثر همزیستی میکوریزایی و منابع مختلف نیتروژن بر خصوصیات کمی و کیفی اسفرزه تحت تنش خشکی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهرکرد.
۷. متشع زاده، ب.، غ. ثواقبی و ح. علیخانی. ۱۳۸۸. مقابله با تنش کادمیوم در یونجه با کاربرد زاد مایه باکتری‌های بومی مقاوم. اولین همایش ملی تنش‌های محیطی در علوم کشاورزی، دانشگاه بیرجند.
۸. محبوب خمایی، ع.، ر. کسرای، م. مقدم و م. کاوسی. ۱۳۸۳. اثر کود اوره، اوره با پوشش گوگردی و روش‌های کاربرد آنها بر عملکرد دانه، بازده و بازیافت نیتروژن در برنج (رقم نعمت). دانش کشاورزی ۱۴(۴): ۱۰۷-۱۱۴.
۹. ملکوتی، م. ج و م. ن. غیبی. ۱۳۷۹. تعیین حد بحرانی عناصر غذایی مؤثر در خاک، گیاه و میوه در راستای افزایش عملکرد کمی و کیفی محصولات استراتژیک کشور. نشر آموزش کشاورزی، کرج.
10. Abbasi, M.K., A. Khaliq, M. Shafiq, M. Kazmi and A. Imran. 2010. Comparative effectiveness of urea N, poultry manure and their combination in changing soil properties and maize productivity under rainfed conditions in northeast Pakistan. *Exp. Agric.* 46: 211-230.
11. Altuntas, E., O. Engin, Z.E. Zgo and F. Taser. 2005. Some physical properties of fenugreek (*Trigonella foenum-graceum* L.) seeds. *J. Food Eng.* 71: 37-43.
12. Azcón-Aguilar, C., R. Azcón and J.M. Barea. 1979. Endomycorrhizal fungi and rhizobium as biological fertilisers for *Medicago sativa* in normal cultivation. *Nature* 279: 325-327.
13. Behl, R.K., H. Sharma, V. Kumar and K.P. Singh. 2003. Effect of dual inoculation of VA mycorrhiza and *Azotobacter chroococcum* on above flag leaf characters in wheat. *Arch. Agron. Soil Sci.* 49: 25-31.
14. Benabdellah, K., Y. Abbas, M. Abourouh and R. Azcón. 2011. Influence of two bacterial isolates from degraded and non-degraded soils and arbuscular mycorrhizae fungi isolated from semi-arid zone on the growth of *Trifolium*

- repens* under drought conditions: Mechanisms related to bacterial effectiveness. J. Soil Biol. 47: 303-309.
15. Copetta, A., V. Lingua and G. Bert. 2006. Effect of three AM fungi on growth, distribution of glandular hairs and essential oil production in *Ocimum basilicum* L. var. Genovese. Mycorrhiza 16: 485-494.
 16. Delogu, G., L. Cattivelli, N. Pecchioni, D. De Falcis, T. Maggiore and A.M. Stanca. 1998. Uptake and agronomic efficiency of nitrogen in winter barley and winter wheat. Eur. J. Agron. 9: 11-20.
 17. Fazili, I.S., A. Jamal, S. Ahmad, M. Masoodi, J.S. Khan and M.Z. Abdin. 2008. Interactive effect of sulfur and nitrogen on nitrogen accumulation and harvest in oilseed crops differing in nitrogen assimilation potential. J. Plant Nutr. 31(7): 1203-1220.
 18. Griffie, P., S. Metha and D. Shankar. 2003. Organic Production of Medicinal, Aromatic and Dye-Yielding Plants (MADPs). FAO, Rome, Italy.
 19. Hirel, B., J. Le Gouis, B. Ney and A. Gallais. 2007. The challenge of improving nitrogen use efficiency in crop plants: Towards a more central role for genetic variability and quantitative genetics within integrated approaches. J. Exp. Bot. 58(9): 2369-2387.
 20. Jackson, G.D. 2000. Effect of nitrogen and sulfur on canola yield and nutrient uptake. J. Agron. Crop Sci. 92: 644-649.
 21. Kapoor, R., B. Giri and K.G. Mukerji. 2004. Improved growth and essential oil yield and quality in *Foeniculum vulgare* mill on mycorrhizal inoculation supplemented with P-fertilizer. Bioresour. Technol. 93: 307-311.
 22. Khan, A.G. 2005. Mycorrhizas and phytoremediation. In: Methods in biotechnology: phytoremediation: methods and reviews (Willey N., ed). Humana Press Inc., Totowa, NJ, USA.
 23. Kravchenko, L.V., E.I. Leonova and I.A. Tikhonovich. 1994. Effect of root exudates of non-legume plants on the response of auxin production by associated diazotrophs. Microbial Releases 2: 267-271.
 24. Lakshminarayana, K. 1993. Influence of azotobacter on nutrition of plant and crop productivity. In: Proc. of Indian Nat. Sci. Acad. 59: 303-308.
 25. Mandegary, A., M. Pournamdari, F. Sharififar, S. Pournourmohammadi, R. Fardiar and S. Shooli. 2012. Alkaloid and flavonoid rich fractions of fenugreek seeds (*Trigonella foenum-graecum* L.) with antinociceptive and anti-inflammatory effects. J. Food Chem. Toxicol. 50: 2503-2507.
 26. Murphy, J. and J.P. Riley. 1962. A modified single solution for determination of phosphate in natural waters. Analytica Chimica Acta 27: 35-36.
 27. Nosengo, N. 2003. Fertilized to death. Nature 425: 894-895.
 28. Ortas, I., N. Sari, C. Akpınar and H. Yetisir. 2011. Screening mycorrhiza species for plant growth, P and Zn uptake in pepper seedling grown under greenhouse conditions. Sci. Hort. 128: 92-98.
 29. Ramos, I., E. Esteban, J.J. Lucena and A. Garate. 2002. Cadmium uptake and subcellular distribution in plants of *Lactuca sp.* Cd-Mn interaction. Plant Sci. 162: 761-767.
 30. Ravi, S., H.T. Channal, N.S. Hebsur, B.N. Patil and P.R. Dharmatti. 2008. Effect of sulphur, zinc and iron nutrition on growth, yield, nutrient uptake and quality of safflower (*Carthamus tinctorius* L.). J. Agric. Sci. 21(3): 382-385.
 31. Srivastava, N.K. and M. Basu. 1995. Occurrence of vesicular arbuscular mycorrhizal fungi in some medicinal plants. PP. 58-61. In: Adholeya, A. and S. Singh (Eds.), Mycorrhizae: Biofertilizers for the Future. Third National Conference on Mycorrhiza, TERI, Delhi, India.
 32. Tilak, K.V.B.R., N. Ranganayaki, K.K. Pal, R. De, A.K. Saxena, C. Shekhar Nautiyal, Shilpi Mittal, A.K. Tripathi. Current Sci. 89: 136-150. and B.N. Johri. 2005. Diversity of plant growth and soil health supporting bacteria.
 33. Yasari, E., M. Esmaili Azadgoleh, H. Pirdashti and S. Mozafari. 2008. Azotobacter and azospirillum inoculants as biofertilizer in canola (*Brassica napus* L.) cultivation. Asian J. Plant Sci. 7(5): 490-494.